Research Paper

Dynamics of Policy Change in the Lake Urmia Policy Subsystem: An Advocacy Coalition Framework Analysis

Hosein Asgari [1] ,* **Tayebe Amirkhani** [2]

1.PhD Candidate ,Tarbiat Modares University,Tehran, Iran .
2.Assistant Professor, Public Administration Department, Management and Accounting Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran .

Use your device to scan and read the article online

Citation: Asgari.H, Amirkhani.T (2026). [Dynamics of Policy Change in the Lake Urmia Policy Subsystem: An Advocacy Coalition Framework Analysis (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy,* 16(58), 64-87.https://doi.org/10.22034/sspp.2026.2087843.3927

https://doi.org/10.22034/sspp.2026.2087843.3927

CC BY NC

Received: 31 Mar 2026
Accepted: 10 May 2026
Available Online: 20 Jun 2026

Keywords:
Advocacy Coalition Framework, Policy change, policy-oriented learning, devil shift, adversarial subsystems.

ABSTRACT

Policy change in complex environmental issues is shaped not only by policy feedback and evidence generated through policy implementation, but also by interactions among advocacy coalitions, the structure of the policy subsystem, and the characteristics of the broader political system. This study aims to explain the dynamics of policy change in the Lake Urmia policy subsystem and examine how the adversarial nature of the subsystem and the characteristics of Iran's political system influence policy change. A qualitative case study design was employed. Data were collected through interviews with policy experts and actors, alongside an analysis of official documents, and were examined using qualitative content analysis. The findings indicate that policy change in the Lake Urmia subsystem has occurred through several pathways, including policy feedback, external events and shocks, negative feedback and policy contraction, and policy-oriented learning. However, intense conflict among advocacy coalitions, particularly over core policy beliefs, has constrained policy learning and the development of negotiated agreements. Furthermore, the characteristics of Iran's political system, by facilitating top-down decision-making with limited consensus, have influenced the direction and pattern of policy change and contributed to the marginalization of some advocacy coalitions. Under these conditions, the emergence of the "devil shift" has intensified mistrust among coalitions, reinforced negative perceptions of competing actors, and constrained policy-oriented learning. The findings demonstrate that explaining policy change in the Lake Urmia policy subsystem requires simultaneous attention to both subsystem-level dynamics and the characteristics of the broader political system. Accordingly, strengthening inter-coalition collaboration, expanding actor participation, and establishing mechanisms for dialogue and mediation may enhance policy learning and create conditions for more sustainable policy change.

*** Corresponding Author:**

Tayebe Amirkhani

Address: Management and Accounting Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran .
E-mail: t_amirkhani@sbu.ac.ir

مقاله‌پژوهشی

پویایی‌های تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم سیاست‌گذاری دریاچه ارومیه: تحلیلی مبتنی بر چارچوب ائتلاف مدافع

حسین عسگری ورجانی[۱]، *طیبه امیرخانی[۲]

۱. دانشجوی دکتری خط‌مشی‌گذاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران .

تاریخ دریافت: ۱۱ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ انتشار: ۳۰ خرداد ۱۴۰۵

چکیده

تغییر خط‌مشی در مسائل پیچیده محیط‌زیستی صرفاً تابع شواهد و بازخوردهای ناشی از اجرای خط‌مشی نیست، بلکه از تعامل میان ائتلاف‌های مدافع، ساختار خرده‌سیستم خط‌مشی و ویژگی‌های نظام سیاسی نیز تأثیر می‌پذیرد. پژوهش حاضر با هدف تبیین پویایی‌های تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه و بررسی تأثیر ماهیت متعارض خرده‌سیستم و ویژگی‌های نظام سیاسی ایران بر این تغییرات انجام شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه با خبرگان و بازیگران خط‌مشی و بررسی اسناد رسمی گردآوری و با روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه از مسیرهایی همچون بازخورد خط‌مشی، وقوع شوک‌ها و وقایع بیرونی، بازخورد منفی و انقباض خط‌مشی و یادگیری مبتنی بر خط‌مشی شکل گرفته است. بااین‌حال، تعارض شدید میان ائتلاف‌ها، به‌ویژه در سطح باورهای اصلی خط‌مشی، موجب محدود شدن ظرفیت یادگیری و شکل‌گیری توافق مذاکره‌شده شده است. افزون بر این، ویژگی‌های نظام سیاسی ایران با فراهم کردن امکان تصمیم‌گیری از بالا به پایین و با حداقل اجماع، بر نحوه ظهور و جهت‌گیری تغییرات خط‌مشی اثر گذاشته و زمینه به حاشیه رفتن برخی ائتلاف‌ها را فراهم کرده است. در چنین شرایطی، شکل‌گیری پدیده «نقاب شیطانی» موجب تشدید بی‌اعتمادی میان ائتلاف‌ها، تقویت برداشت‌های منفی از رقبا و محدود شدن یادگیری مبتنی بر خط‌مشی شده است. نتایج نشان می‌دهد که درک تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه مستلزم توجه هم‌زمان به سازوکارهای درون خرده‌سیستم و ویژگی‌های نظام سیاسی است. بر این اساس، تقویت همکاری میان ائتلاف‌ها، افزایش مشارکت بازیگران و فراهم کردن سازوکارهای گفت‌وگو و میانجی‌گری می‌تواند ظرفیت یادگیری و دستیابی به تغییرات پایدارتر خط‌مشی را افزایش دهد.

کلیدواژه‌ها:

چارچوب ائتلاف مدافع؛ تغییر خط‌مشی؛ یادگیری مبتنی بر خط‌مشی؛ نقاب شیطانی؛ خرده‌سیستم متعارض.

* **نویسنده مسئول:**

طیبه امیرخانی

نشانی: دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رایانامه: t_amirkhani@sbu.ac.ir

مقدمه

«چارچوب ائتلاف مدافع» یکی از برجسته‌ترین نظریه‌ها برای تحلیل و تبیین فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی است (هینمیلر[1]، ۲۰۲۳: ۱؛ لی[2] و همکاران، ۲۰۲۴: ۲). مطابق این چارچوب، نخبگان خط‌مشی از سطوح مختلف حاکمیت (ساباتیر[3]، ۱۹۸۸: ۱۳۸) و بخش‌های عمومی و خصوصی (گابهارت[4] و همکاران، ۲۰۲۴: ۴؛ ویجت[5]، ۲۰۲۴: ۴۹۴) بر مبنای باورهای مشترک، «ائتلاف مدافع» را تشکیل و فعالیت‌های هماهنگی را در طول زمان به انجام می‌رسانند (بوکوسکی[6]، ۲۰۰۷: ۴۰) تا با تسلط بر خرده‌سیستم خط‌مشی (ویجت، ۲۰۲۴: ۴۹۴) باورهایشان را به آن منتقل کنند (گابهارت و همکاران، ۲۰۲۴: ۲).

یکی از مهمترین تأکیدهای نظری چارچوب ائتلاف مدافع، تغییر خط‌مشی است (هینمیلر[7]، ۲۰۲۳: ۱؛ پیرس[8] و همکاران، ۲۰۱۷: ۳) که تحت تاثیر عوامل درونی مانند «توافق‌های مذاکره‌شده» بین ائتلاف‌ها (سوتیرو و مملر[9]، ۲۰۱۲: ۵۴)، «یادگیری مبتنی بر خط‌مشی» (نورستد و الوفسون[10]، ۲۰۱۶: ۲۱)و «بازخورد خط‌مشی» (اشمید[11]، ۲۰۲۰: ۱۱۰۹) و عوامل بیرونی مانند تغییر در «ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی»، «ساختارهای اساسی مطابق با قانون» و «تغییر در شرایط سایر خرده‌سیستم‌ها» به وقوع می‌پیوندند (پیرس و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). تحقق این الگوها در هر خرده‌سیستم، تحت تاثیر گشودگی سیاسی، سطح مشارکت و الگوی تعامل و تعارض در آن قرار دارد (نورستد و ویبل[12]، ۲۰۱۰: ۱۲).

پژوهشگرها از چارچوب ائتلاف مدافع برای توصیف و توضیح فرایند خط‌مشی‌گذاری (گابهارت و همکاران، ۲۰۲۲: ۱) و تغییر خط‌مشی در سراسر جهان استفاده کرده‌اند (لی و ویبل[13]، ۲۰۲۱: ۲؛ ویبل، ۲۰۰۷: ۱۰۱). در ایران نیز تغییر خط‌مشی با استفاده از این چارچوب در خرده‌سیستم‌های مختلف مانند جمعیت (دانایی فرد و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۱۸) و حمل و نقل (سلطان زاده و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۵۳) بررسی شده اما این مطالعات تاثیر نوع خرده‌سیستم و شرایط سیستم سیاسی بر تغییر خط‌مشی را بررسی نکرده‌اند؛ موضوعی که در پژوهش‌های بین‌المللی نیز به صورت محدود بررسی شده است (گوپتا[14] و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۳۳؛ یوردی[15]، ۲۰۲۵: ۱۸۶)؛ گرچه شرایط سیاسی منحصر به فرد ایران، این پژوهش را از مطالعاتی که به بررسی تأثیر نظام سیاسی نیز پرداخته‌اند، متمایز می‌سازد.

علاوه بر این، چارچوب ائتلاف مدافع، برگرفته از خط‌مشی‌های محیط زیستی بوده (سوتیرو و مملر، ۲۰۱۲: ۵۲) و بیشترین حوزه خط‌مشی مطالعه شده با چارچوب ائتلاف مدافع در دنیا، مرتبط با محیط زیست است (پیرس و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۰)تنها مطالعه در ارتباط با حوزه محیط‌زیست در ایران توسط عسگری و امیرخانی (۲۰۲۴) انجام شده که ائتلاف‌های مدافع فعال و بالقوه خرده‌سیستم دریاچه ارومیه را شناسایی کرده و آن را خرده‌سیستمی متعارض تشخیص دادند؛ اما در پژوهش یادشده نیز

1. Heinmiller
2. Li
3. Sabatier
4. Gabehart
5. Wiget
6. Bukowski
7. Heinmiller
8. Pierce
9. Sotirov & Memmler
10. Nohrstedt & Olofsson
11. Schmid
12. Weible
13. Li & Weible
14. Gupta
15. Yordy

به فرایند تغییر خط‌مشی، پرداخته نشده است.

پژوهش حاضر در امتداد پژوهش پیشین (عسگری و امیرخانی،۲۰۲۴) با تمرکز بر خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه و بر مبنای چارچوب ائتلاف مدافع، به دنبال تبیین سازوکارهای تغییر خط‌مشی، تاثیر ویژگی‌های خاص سیستم سیاسی ایران و تعارض حاکم بر خرده‌سیستم در تغییر خط‌مشی است که تا کنون در مطالعات انجام شده در ایران بررسی نشده است.

بر این اساس، ابتدا مبانی چارچوب ائتلاف مدافع و الگوهای تغییر خط‌مشی در این چارچوب بررسی و پس از آن، با بهره‌گیری از روش‌شناسی مطالعه موردی به شرح الگوهای تغییر و تاثیر نوع سیستم سیاسی بر آن‌ها در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند برای خط‌مشی‌گذاران و سمن‌های فعال در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه در درک سازوکارها و چگونگی ایجاد تغییر خط‌مشی موثر باشد. علاوه بر این، نتایج پژوهش، زمینه‌ساز تقویت یادگیری مبتنی بر خط‌مشی و افزایش تأثیرگذاری ائتلاف‌ها در فرایند خط‌مشی‌گذاری در خصوص دریاچه ارومیه خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

چارچوب ائتلاف مدافع که توسط ساباتیر[16] و جنکینزاسمیت[17] معرفی شده، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌ها برای تحلیل و تبیین فرآیند خط‌مشی‌گذاری است (هینمیلر، ۲۰۲۳: ۱؛ ون مالمبورگ[18]، ۲۰۲۳: ۲۲۳). واحد اصلی تحلیل در این چارچوب، خرده‌سیستم خط‌مشی است تا نخبگان خط‌مشی، با شناخت و تخصص کافی در ارتباط با پیچیدگی‌های یک موضوع، در ایجاد و تغییر خط‌مشی نقش‌آفرینی کنند (بوکوسکی، ۲۰۰۷: ۴۰؛ گابهارت و همکاران، ۲۰۲۲: ۲؛ لی و همکاران، ۲۰۲۴: ۳). خرده‌سیستم خط‌مشی، با گذر از مفهوم مثلث آهنین ۲ که محدود به دستگاه‌های اجرایی، قوه مقننه و گروه‌های ذینفع در یک سطح واحد از حکومت است (ساباتیر، ۱۹۸۸: ۱۳۸) بازیگران از بخش‌های مختلف عمومی و خصوصی را در برمی‌گیرد (گابهارت و همکاران، ۲۰۲۲: ۲؛ ویجت، ۲۰۲۴: ۴۹۱).

هر خرده‌سیستم، شامل دو تا چهار ائتلاف مدافع است (دگویلم[19] و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۴) که در آن بازیگران با باورهای مشترک، فعالیت‌های هماهنگی را در طول زمان به انجام می‌رسانند (بوکوسکی، ۲۰۰۷: ۴۰) تا با منابع در اختیارشان (دگویلم و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۵) بر خرده‌سیستم تسلط پیدا کرده (ویجت، ۲۰۲۴: ۴۹۱) و باورهایشان را به خط‌مشی عمومی منتقل کنند (گابهارت و همکاران، ۲۰۲۲: ۲)؛ این باورها در سلسله مراتبی سه سطحی قرار می‌گیرند:

- باورهای هسته عمیق، هنجاری[20] و بنیادی بوده (دگویلم و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۴) و مواردی مانند ماهیت اساسی انسان‌ها و نگرش فرد به طبیعت را در برمی‌گیرد که تغییر در آن‌ها بسیار محدود است (هینمیلر،۲۰۱۳: ۵۲۸؛ جنکینز-اسمید[21] و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۵۸)
- باورهای اصلی خط‌مشی، رفتار بازیگران برای تحقق باورهای هسته عمیق را هدایت می‌کند

16. Sabatier
17. Jenkins-Smith
18. von Malmborg

19. Deguilhem
20. Normative
21. Jenkins-Smith

(دگویلم و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۴) و شامل مواردی مانند ارزیابی از جدی بودن مشکل، علل اساسی و راه حل‌های ترجیحی است (ون مالمبورگ، ۲۰۲۳: ۲۲۳) . باورهای ثانویه شامل ابزارهای خط‌مشی یا پیشنهادهای هدفمند برای دستیابی به باورهای هسته عمیق و اصلی خط‌مشی است (دگویلهم[۲۲] و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۴؛ جنکینزاسمید و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۸۶)؛ تعدیل این باورها ممکن است برای محافظت از باورهای هسته عمیق و اصلی خط‌مشی لازم باشد (جنکینزاسمید و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۸۶).

یکی از مهمترین مباحث چارچوب ائتلاف مدافع، تغییر خط‌مشی است(گابهارت و همکاران، ۲۰۲۴: ۳؛ نورستد و الوفسون، ۲۰۱۶: ۲۱؛ پیرس و همکاران، ۲۰۱۷: ۳) که با الگوهای ذیل به وقوع می‌پیوندد:

ـ تغییر در پارامترهای نسبتاً پایدار و وقایع بیرونی (پیرس و همکاران، ۲۰۲۰: ۳)که محدودیت‌ها و فرصت‌های پیش روی بازیگران خرده‌سیستم را متفاوت ساخته و نقش مهمی در تغییر خط‌مشی ایفا می‌کند (ساباتیر، ۱۹۸۸: ۱۳۲).

ـ صلاحیت‌های برتر تصمیم‌گیری[۲۳] در یک سیستم سیاسی که ممکن است با اتخاذ خط‌مشی‌های جدید و تاثیرگذاری بر ساختارهای فرصت بلندمدت، پارامترهای نسبتا پایدار و وقایع بیرونی خرده‌سیستم، باعث تغییر شوند (پیرس و همکاران، ۲۰۲۰: ۲).

ـ تغییر شرایط درونی خرده‌سیستم به «بحران‌ها، فاجعه‌ها و شکست‌های خط‌مشی» (فالرتون[۲۴] و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۵؛ کوبل[۲۵]، ۲۰۱۹: ۱۲) ناشی از ویژگی و رفتار ائتلاف‌ها در خرده‌سیستم مرتبط است (پیرس و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۲؛ نورستد و الوفسون، ۲۰۱۶: ۲۲) که در آن باورهای مرکزی ائتلاف غالب زیر سوال رفته (نالی[۲۶]، ۲۰۱۹: ۵۵۰) و فرصتی برای تغییر به وجود می‌آید (فالرتون و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۱۰؛ پیرس و همکاران، ۲۰۲۰: ۴).

ـ توافق‌های مذاکره‌شده که در آن ائتلاف‌ها با اجماع در مورد یک خط‌مشی، زمینه ساز تغییر می‌شوند (گابهارت و همکاران، ۲۰۲۲: ۹؛ نورستد و الوفسون، ۲۰۱۶: ۲۲). این الگو زمانی به وقوع می‌پیوندد که ائتلاف‌ها از وضعیت موجود رضایت نداشته و میان آن‌ها اعتماد و تعهد مشترک وجود داشته باشد (سوتیرو و مملر، ۲۰۱۲: ۵۴).

ـ یادگیری مبتنی بر خط‌مشی که به «جایگزین‌های نسبتاً ماندگار فکری یا نیت‌های رفتاری ناشی از تجربه و/یا اطلاعات جدید مربوط به دستیابی یا بازنگری در هدف‌های خط‌مشی» اشاره دارد (ساباتیر، ۱۹۸۸: ۱۳۳). در یادگیری، دانش و اطلاعات در مورد مشکلات و راه‌حل‌ها پیگیری می‌شود و به‌روزرسانی ادراک از پارامترها و عوامل موثر بر مشکل، تغییرات باالقوه در باورها و بدیل‌های خط‌مشی (جنکینز-اسمید و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۹۷) برای تاثیرگذاری بیشتر در خرده‌سیستم را به همراه دارد (پریش[۲۷]، ۲۰۰۸: ۸۵).

ـ بازخورد خط‌مشی؛ در بسیاری از خرده‌سیستم‌ها،

22. Deguilhem
23. superior jurisdiction
24. Fullerton
25. Koebele
26. Nwalie
27. Parrish

تفاوت بین شرایط درونی و رویدادهای بیرونی موثر بر تغییر، تصنعی است و بسیاری از عوامل به ظاهر بیرونی (پیرس و همکاران، ۲۰۱۷: ۲) مانند تخریب محیط زیست یا بحران‌های اقتصادی، واقعاً برونزا نبوده و بازخورد خط‌مشی‌های قبلی هستند (اشمید[۲۸] و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۱۱)؛ سازوکار بازخورد با ۴ الگو بر خط‌مشی تاثیرگذار است:

۱- ثبات خط‌مشی با ثبات ائتلاف ناشی از تعادل یا عدم وجود بازخورد مثبت و منفی در قبال ائتلاف‌ها؛

۲-گسترش خط‌مشی با رشد ائتلاف در اثر پیوستن بازیگران یا ارتباطات جدید و جذب منابع مناسب و بازخوردهای مثبت نسبت به ائتلاف‌ها؛

۳-انقباض خط‌مشی با کاهش ائتلاف در اثر ناپدید شدن بازیگران یا تجزیه آن‌ها که خود ناشی از تفاسیر و بازخورهای منفی است؛

۴-تحول خط‌مشی که در این مسیر، بازخوردها منجر به ناپدید شدن متصدیان فعلی و/یا تفکیک آن‌ها از ائتلاف موجود می‌شود و همزمان، بازیگران جدید با ائتلاف‌های جدید ظهور می‌کنند (اشمید و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۲۵).

پژوهشگرها از چارچوب ائتلاف مدافع برای توصیف و توضیح فرایند خط‌مشی‌گذاری (گابهارت و همکاران، ۲۰۲۲: ۱) و تغییر در سراسر جهان استفاده کرده‌اند (لی و ویبل، ۲۰۲۱: ۲؛ ویبل، ۲۰۰۷: ۱۰۱). برای مثال، هیودوبرو و مایی[۲۹] با بررسی و تحلیل خط‌مشی‌های اقلیمی در چین نتیجه گرفتند که پذیرش و تأیید رسمی دولت، جهت‌گیری سیاسی از بالا به پایین و اجماع سیاسی برای تشکیل ائتلاف، موجب تقویت و انسجام ائتلاف‌ها در حوزه محیط زیست شده و تغییر محیط بیرونی در اصلاح جهت گیری سیاسی تاثیرگذار است؛ در موردی دیگر دانایی فرد و همکاران (۲۰۲۲)، فرایند تغییر خط‌مشی جمعیتی در ایران را با چارچوب ائتلاف مدافع بررسی کردند؛ نتایج این پژوهش نشان داد که تغییر با تعامل میان دو ائتلاف مدافع «کنترل جمعیت» و «افزایش جمعیت» و تحت تأثیر سازوکارهایی مانند یادگیری مبتنی بر خط‌مشی و التهابات بیرونی رخ داده است.

با این حال چارچوب ائتلاف مدافع، برگرفته از خط‌مشی‌های محیط زیستی است (سوتیرو و مملر، ۲۰۱۲: ۵۲) و بیشترین حوزه خط‌مشی مطالعه شده با این چارچوب در دنیا، مرتبط با محیط زیست است (پیرس و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۰)؛ حوزه موضوعی که باوجود اهمیت بالا، به ندرت در نظام خط‌مشی گذاری کشور مورد توجه قرار گرفته است (میان آبادی، ۲۰۲۵: ۲). تنها مطالعه محیط زیستی با استفاده از چارچوب ائتلاف مدافع در ایران توسط عسگری و امیرخانی (۲۰۲۴) انجام شده که خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه را بررسی و ائتلاف‌های مدافع فعال «رویکرد مدیریت زیست‌بومی» و «رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی» و ائتلاف مدافع بالقوه «سمن‌های زیست محیطی» را شناسایی کردند. این خرده‌سیستم به علت «عدم همگرایی باورها»، «هماهنگی بسیار پایین ائتلاف‌ها»، «اقتدار پراکنده دولتی همراه با ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی» و «فقدان رویکرد برد- برد»، از نوع متعارض است؛ با این حال پژوهش انجام شده به بررسی تغییر خط‌مشی -یکی از مهم‌ترین مباحث نظری چارچوب ائتلاف مدافع- نپرداخته است.

28. Schmid
29. Francesch-Huidobro and Mai

علاوه بر این، مطالعات انجام شده در ایران تاثیر نوع خرده‌سیستم و سیستم سیاسی حاکم را بر تغییر خط‌مشی مورد بررسی قرار نداده‌اند؛ خلاء نظری که در پژوهش‌های بین‌المللی نیز مدنظر قرار گرفته است؛ برای مثال یوردی[30] و همکاران(۱۸۶: ۲۰۲۵) به نقد بی‌توجهی مطالعات نسبت به دموکراسی و سایر مفاهیم هنجاری پیچیده مرتبط به آن اشاره کرده‌اند. علاوه بر این گیوپتا[31] و همکاران (۱۳۲: ۲۰۲۵) پژوهشگرها را دعوت به بررسی تاثیر گشودگی سیستم سیاسی و میزان اجماع مورد نیاز برای تغییر کرده‌اند؛ وایلی[32] و همکاران (۲۷۵: ۲۰۲۵) نیز بررسی نقش منابع سیاسی برای تغییر را موضوعی مهم و کمتر بررسی شده می‌دانند.

بر این اساس، پژوهش حاضر به مطالعه تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه می‌پردازد که روزگاری بزرگ‌ترین دریاچه دائمی نمکی در جهان بود (سائمیان و همکاران، ۲۰۲۰: ۲) و در سال‌های اخیر ۹۰ درصد حجم آب خود را (شولز[33] و همکاران، ۲۰۲۰: ۱) در اثر مداخلات انسانی و مسائل زیست محیطی از دست داده (پارسی‌نژاد[34] و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۳؛ توریان[35] و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۵۰) و به علت تبعات زیست‌محیطی، کشاورزی و اجتماعی (توریان و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۴۹)، نگرانی‌های ملی و بین‌المللی را برانگیخته است (سائمیان و همکاران، ۲۰۲۰: ۳؛ توریان و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۴۹)؛ این خرده‌سیستم با ویژگی‌های خاص خود (متعارض با حضور بازیگران متعدد و متنوع) و حضور در سیستم سیاسی ایران که یک پازل برای دانشمندان علوم سیاسی دنیا است (چهابی[36]، ۲۰۰۱: ۴۸؛ تزور[37] و همکاران، ۲۰۱۲: ۲) بستر مناسبی برای رفع خلأهای نظری مورد اشاره را فراهم می‌کند.

با توجه به آنچه شرح داده شد، پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- الگوهای تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه کدامند؟
- ویژگی متعارض بودن خرده‌سیستم دریاچه ارومیه چه تاثیری بر الگوهای تغییر خط‌مشی دارد؟
- سیستم سیاسی چگونه الگوهای تغییر خط‌مشی را تغییر می‌دهد؟

روش پژوهش

این مطالعه، با رویکرد کیفی صورت می‌پذیرد که با صبغه ساخت‌گرایانه، به دنبال دستیابی به درکی غنی از موضوع و بینش‌های هماهنگ با تجربه‌ها و ادراک افراد نسبت به یک مسئله اجتماعی یا انسانی است (کرسول[38]، ۲۰۰۳: ۳۷؛ هامربرگ[39] و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۹۹).

پژوهشگر کیفی با مجموعه‌ای از روش‌شناسی‌ها برای انجام مطالعه روبه‌رو است (کرسول و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۳۶)؛ در این پژوهش، از روش‌شناسی مطالعه موردی استفاده می‌شود که در آن از منابع متعددی برای جمع‌آوری داده‌ها (پریا[40]، ۲۰۲۱: ۲)و به‌دست‌آوردن بینش در مورد تجربه‌های شخصی، دیدگاه‌ها و انگیزه‌های یک فرد استفاده

30. Yordy
31. Gupta
32. Wiley et al
33. Schulz
34. Parsinejad
35. Tourian
36. Chehabi
37. Tezcür
38. Creswell
39. Hammarberg
40. Priya

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه‌شونده در پژوهش

ردیف	سازمان مربوط	مدرک تحصیلی	کد
۱	مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران	کارشناسی ارشد مدیریت منابع آب	A1
۲	هماهنگ کننده پروژه مشارکت مردم در احیای دریاچه ارومیه در طرح حفاظت از تالاب ها	دکترای اقتصاد کشاورزی	A2
۳	معاون طرح حفاظت از تالاب‌های دریاچه ارومیه	کارشناسی ارشد محیط زیست	A3
۴	مدیر منطقه ای پروژه طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به مدت ۹ سال		A4
۵	کارشناس و همکار طرح حفاظت از تالاب‌ها	دکتری سیاستگذاری	A5
۶	مدیرواحد هیدروانفورماتیک ستاد احیای دریاچه ارومیه	کارشناسی ارشد مدیریت منابع آب	B1
۷	کارشناس ستاد احیای دریاچه ارومیه	کارشناسی ارشد عمران محیط زیست	B2
۸	مسئول بخش توسعه فرهنگی اجتماعی ستاد احیای دریاچه ارومیه	کارشناسی ارشد رشته ریاضی	B3
۹	کارشناس ستاد احیای دریاچه ارومیه	لیسانس کشاورزی	B4
۱۰	مسئول فنی ستاد احیای دریاچه ارومیه	کارشناس ارشد مهندسی عمران آب	B5
۱۱	استانداری آذربایجان غربی مسئول پیگیری امور دریاچه ارومیه	مهندسی عمران	B6
۱۲	مشاور فرهنگی- اجتماعی و کارشناس پروژه بازطراحی ساختار سازمانی ستاد احیای دریاچه ارومیه	دانشآموخته MBA	B7
۱۳	انجمن حامیان مردمی‌دریاچه ارومیه	کارشناسی ارشد مدیریت صنایع	C1
۱۴	دبیر کانون دوستداران طبیعت وحش ارومیه	فوق دیپلم- کاردانی علوم باغبانی و کشاورزی	C2
۱۵	سمن صلح سبز آذربایجان		C3
۱۶	سمن شانلی سولدوز نقده	کارشناس مدیریت و برنامه بودجه	C4
۱۷	دبیر خانه کشاورز استان آذربایجان شرقی	لیسانس کشاورزی	C5
۱۸	محقق و استاد گروه مرتع و آب خیز داری دانشگاه ارومیه	دکترا علوم و مهندسی بیابان زدایی	D1
۱۹	عضو کمیته آب مرکز مطالعات راهبردی کشاورزی و اتاق آب ایران	فوق دکترا آبیاری	D2

ردیف	سازمان مربوط	مدرک تحصیلی	کد
۲۰	مدیر گروه مهندسی آب پژوهشکده دریاچه ارومیه	دکترا مهندسی آب	D3
۲۱	هیئت علمی دانشگاه ارومیه	دکترا مهندسی آب	D4
۲۲	فعال محیط زیستی	کارشناسی ارشد مدیریت محیط زیست	E1
۲۳	فعال مدنی	کارشناسی ارشد منابع آب	E2
۲۴	خبرنگار	لیسانس محیط زیست و منابع طبیعی	F1

می‌شود (بوستو[41] و همکاران، ۲۰۲۰: ۳) و مصاحبه متداول‌ترین آن‌ها است. مشارکت‌کنندگان پژوهش باید دانش، تجربه و نگرش کافی برای پاسخگویی مناسب در مصاحبه‌ها را داشته باشند (پیو[42] و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۷)؛ به همین جهت، در این مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، مصاحبه‌هایی با خبرگان خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه انجام شده است. برخی از مصاحبه‌ها با حضور در ستاد احیای دریاچه ارومیه، سازمان حفاظت از محیط زیست بخش حفاظت از تالاب‌ها صورت گرفت و برخی دیگر به علت محدودیت تردد بین شهری، توسط اسکایپ یا مصاحبه تلفنی صورت پذیرفت؛ اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول شماره ۱ مشخص شده است.

استفاده از یک منبع و روش جمع‌آوری داده ممکن است باعث سوگیری شود؛ به همین علت، استفاده از منابع چندگانه (پیو و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۷) مانند آرشیوها، گزارش‌های سالانه، دستورالعمل‌ها، اسناد سیاستی توصیه می‌شود (بوستو و همکاران، ۲۰۲۰: ۲؛ پیو و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۷)؛ اسناد مورد استفاده در این مطالعه در جدول شماره۲ مشخص شده است.

در پژوهش کیفی، جمع‌آوری داده‌ها هدف نهایی نیست و این فرآیند نیازمند تحلیل، تفسیر و ارائه یافته‌ها است (هیل و تویکراس[43]، ۲۰۱۸: ۷) که در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود تا با رویکردی نظام‌مند، حجم زیادی از اطلاعات متنی کدگذاری و دسته‌بندی شود (وایسمرادی[44] و همکاران، ۲۰۱۳: ۵).

یافته‌های پژوهش

خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه

واحد تحلیل مطالعه حاضر، خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه است؛ همانگونه که پژوهش عسگری و امیرخانی (۲۰۲۴) نشان داد اولین ائتلاف فعال این خرده‌سیستم، «ائتلاف مدافع رویکرد زیست‌بومی» است که با باورهای هسته عمیق «اکوسیستم محوری» و «مشارکت همه ذی نفعان خرده‌سیستم» از سال ۱۳۸۴ در قالب «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» ظهور کرد؛ اما به علت حمایت محدود دولت

41. Busetto
42. Pyo
43. Heale & Twycross
44. Vaismoradi

جدول ۲: اسناد بررسی شده در پژوهش

ردیف	منبع	کد
۱	بررسی تجارب برنامه احیای دریاچه ارومیه	H1
۲	الگوسازی مشارکت جوامع محلی در احیای دریاچه ارومیه از طریق استقرار کشاورزی پایدار	H2

دهم، تأثیر قابل‌توجهی در حفظ دریاچه نداشت؛ بدین‌ترتیب کاهش سطح آب دریاچه ادامه یافت و اعتراضات عمومی و برخوردهای امنیتی در سال ۱۳۹۲ شکل گرفت تا در دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری، حسن روحانی با شعار «اولویت اول، دریاچه ارومیه» روی کار آمد و در نخستین جلسه هیئت دولت، تحت تأثیر دیدگاه‌های مبتنی بر رویکرد سازه‌ای، موضوع تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه مطرح شد و این ستاد، رهبری ائتلاف مدافع فعال «رویکرد مهندسی و ضرب‌الاجلی» را برعهده گرفت؛ باورهای هسته عمیق این ائتلاف، «برقراری ضرب الاجلی عدالت اجتماعی و رفع تهدیدات امنیتی و زیست محیطی» و «حل سریع آسیب‌های زیست محیطی ناشی از کاهش سطح آب» بود.

سومین ائتلاف این خرده‌سیستم، ائتلاف بالقوه سمن‌های زیست محیطی است که در آن بازیگران اعتقادات مشابهی دارند اما به علل مختلفی مانند «عدم گشودگی نظام سیاسی و مشکلات اداری»، «برخورد امنیتی با سمن‌های محیط زیستی در سال ۱۳۹۲»، «مسائل ساختاری سمن‌های زیست محیطی» و «حمایت‌های مالی ستاد احیا» که استقلال عمل بعضی سمن‌ها را سلب می‌کرد، رفتار هماهنگی نداشتند و به یک ائتلاف فعال تبدیل نشدند.

عدم همگرایی باورهای این ائتلاف‌ها، هماهنگی پایین آن‌ها به دلیل تفاوت در تصاویر خط‌مشی، همسویی قدرت حاکمیتی با ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و فقدان سیاست‌های برد-برد میان ائتلاف‌ها باعث ایجاد یک خرده‌سیستم متعارض شد (عسگری و امیرخانی، ۲۰۲۴: ۲۱).

در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه، الگوهای مختلفی باعث تغییر خط‌مشی شده که نحوه بروز و ظهور آن‌ها تحت تاثیر نوع خرده‌سیستم حاکم بر دریاچه و سیستم سیاسی حاکم بر ایران بوده است. بر این اساس، در مطالعه فعلی ابتدا الگوهای مختلف تغییر خط‌مشی معرفی می‌گردد و سپس تأثیر خرده‌سیستم متعارض و سیستم سیاسی بر این الگوها مشخص می‌شود.

فاجعه‌های طبیعی به عنوان بازخورد فعالیت‌های انسانی

اولین مسیر شناسایی شده برای تغییر خط‌مشی، ناشی از وقایع درون خرده‌سیستم مانند بروز فاجعه‌های طبیعی یا تغییرات ناشی از عملکرد انسانی است (سوتیرو و مملر[۴۵]، ۲۰۱۲: ۵۴). طبق نتایج پژوهش‌های پیشین، سطح آب حوزه دریاچه ارومیه از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ در اثر عوامل اقلیمی و انسانی کاهش یافته اما کاهش ناگهانی حجم دریاچه، در درجه اول ناشی از مدیریت و فعالیت‌های انسانی

45.Sotirov & Memmler

بوده است (F1)؛ برای مثال اراضی کشاورزی از سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۰، ۲۰۰ درصد گسترش یافته‌اند؛ اراضی دیم به آبی تبدیل شده‌اند و به تبع آن افزایش تقاضای آب پیش آمده است؛ تعداد سدها از یک سد در سال ۱۹۷۰ به ۵۶ سد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته و ظرفیت آن‌ها نیز افزایش یافته که گسترش آبیاری را تسریع کرده است (پارسی‌نژاد[46] و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۳؛ سائمیان و همکاران، ۲۰۲۰: ۳).

این عملکرد، باعث کاهش روزافزون سطح آب دریاچه ارومیه و ظهور ائتلاف مدافع رویکرد زیست‌بومی شد که در قالب همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران، برنامه عمران ملل متحد، دولت ژاپن و تسهیلات جهانی محیط زیست و برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد تلاش کرده تا رویکرد زیست‌بومی را به عنوان یک شیوه مدیریتی جدید و جامع‌نگر برای استقرار کشاورزی پایدار از طریق مشارکت جوامع محلی در راستای احیای دریاچه ارومیه، به کشور معرفی کند (H2).

وقایع و شوک‌های بیرونی

خرده‌سیستم‌ها به مقدار اندکی خود مختار هستند (سوتیرو و مملر، ۲۰۱۲: ۵۳) و تغییر سیستم یا سایر خرده‌سیستم‌ها با تضعیف فرضیه‌های علّی خط‌مشی‌های فعلی یا تغییر پشتیبانی سیاسی از ائتلاف‌های مدافع گوناگون باعث تغییر خط‌مشی می‌شود (ساباتیر، ۱۹۸۸: ۱۴۴). دومین مسیر تغییر در این خرده‌سیستم، همزمان با وضعیت بحرانی دریاچه و شورش‌های اجتماعی در بستر دریاچه ارومیه و با انتخابات سال ۱۳۹۲ مطابق این الگو شکل گرفت؛ «حسن روحانی پیش از انتخابات و در سفر به استان آذربایجان غربی بیان داشت در صورتی که رأی بیاورم، اولین کاری که می‌کنم در ارتباط با دریاچه ارومیه است و قول می‌دهم آن را احیا کنم»(B7)؛ پس از انتخابات سال ۱۳۹۲ و روی کار آمدن دولت حسن روحانی، کارگروه نجات دریاچه ارومیه تشکیل و ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی با رهبری ستاد احیا دریاچه ارومیه ظهور پیدا کرد. این ائتلاف ابتکار عمل را از بازیگران مختلف دولتی و غیر دولتی منطقه گرفته و به علت همراهی دولت، به ائتلاف غالب در این خرده‌سیستم متعارض تبدیل شد و فعالیت ائتلاف مدافع رویکرد زیست‌بومی را در حاشیه قرار داد. بدین ترتیب خط‌مشی‌های این خرده‌سیستم، صبغه مهندسی و ضرب الاجلی گرفت (H1).

بازخورد و انقباض خط‌مشی

سازوکار بازخورد با ۴ الگو «ثبات خط‌مشی با ثبات ائتلاف»، «گسترش خط‌مشی با رشد ائتلاف»، «انقباض خط‌مشی با کاهش ائتلاف» و «تحول خط‌مشی» بر خرده‌سیستم تاثیر گذاشته و باعث تغییر می‌گردد؛ در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه، الگوی سوم به وقوع پیوست که مطابق آن، خط‌مشی به علت ناپدید شدن بازیگران و/یا جدایی آن‌ها از ائتلاف در اثر بازخوردهای منفی یا کاهش منابع، دچار انقباض می‌گردد (اشمید و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۲۵)؛ در این خرده‌سیستم، ائتلاف مدافع رویکرد زیست‌بومی تلاش داشت رویکرد مشارکتی را به‌عنوان یک نمونه اثربخش پیاده‌سازی و به دولت معرفی کند تا دولت اجرای گسترده آن را پیگیری نماید. بااین‌حال، دولت دهم از حمایت این رویکرد خودداری کرد (A2) که باعث اثربخشی محدود این ائتلاف و بروز بازخوردهای منفی علیه آن‌ها شد؛ برای مثال مصاحبه شونده (B7) در این زمینه گفت: «در ارتباط با کارهای طرح حفاظت از تالاب‌ها کمی

46. Parsinejad

اغراق می‌شود؛ از رویکرد کلی می‌توان دفاع کرد ولی اجرای کار خیلی مناسب نبوده و میزان اثربخشی بسیار کم است».

همراهی این امر با تغییر دولت و اعتراضات عمومی پیش آمده در قبال کاهش سطح آب دریاچه ارومیه، باعث انقباض بیشتر ائتلاف مدافع رویکرد مدیریت زیست‌بومی و از دست رفتن امکانات و قدرت قبلی آن‌ها شد؛ پس از آن، بازیگران این ائتلاف سعی کردند در جلسات هم‌اندیشی مرکز استراتژیک ریاست جمهوری مدل خودشان را انتقال دهند که عملیاتی نشد و بسیاری بازیگران فعال در ائتلاف ناپدید و جذب ارگان‌هایی مانند سازمان ملل متحد شدند (F1) اما فعالیت آن‌ها با حمایت‌های دولت ژاپن، به صورت محدود تداوم پیدا کرد.

یادگیری مبتنی بر خطمشی

یادگیری مبتنی بر خطمشی به ایجاد شدن تغییرات ماندگار در افکار و مقاصد رفتاری اشاره دارد که از اطلاعات جدید و تجربیات در ارتباط با دستیابی و یا بازنگری در اهداف خطمشی به وجود می‌آید (ساباتیر، ۱۹۸۸: ۱۳۳). یکی از عوامل موثر بر یادگیری، شکست است که در پژوهش‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است؛ برای مثال در کانزاس۴۷ پس از وقوع تورنادو و آسیب‌های آن، خطمشی‌گذاران متعهد شدند با روش‌های پایدار و سازگار با محیط زیست به بازسازی شهر بپردازند تا از آسیب‌های بعدی جلوگیری شود (اوداناوان[۴۸]، ۲۰۱۷: ۱۴).

«در سال ۱۳۹۳ این نگرانی وجود داشت که دریاچه بمیرد و دیگر نتوان برای آن کاری انجام داد...؛ یک برنامه مطرح شد که کشاورز یک سال کشت نکند و خسارت دریافت کند تا ۳ میلیارد متر مکعب آب به دریاچه وارد شود؛ اما متولیان ستاد احیا متوجه شدند این طرح قابلیت اجرا ندارد» (B2) و طرح با شکست مواجه شد «چون مردم نپذیرفتند؛ آن‌ها به دولت اعتماد نداشتند؛ نمی‌دانستند دولت پول می‌دهد یا نه؛ می‌گفتند خدا داده و آب و زمین نعمت خداست، چرا استفاده نکنیم؟» (B1)

پس از شکست طرح نکاشت، به علت دسترس بودن راه حل‌های دیگر، یادگیری به وقوع پیوست و طرح «به‌کاشت» اجرا شد که در آن معیشت مردم با افزایش درآمد از سطح زیر کشت با مصرف آب کمتر یا تناژ بالاتر مدنظر قرار گرفت (B2). به‌کاشت در برخی زمین‌ها اجرا می‌شد و کشاورز با دیدن نتایج و خرید تضمینی محصولات، اعتماد پیدا کرده و از طرح استقبال می‌کرد (B1).

خرده‌سیستم متعارض، سیستم سیاسی و تغییر خطمشی

خرده‌سیستم‌های خطمشی از نظر گشودگی سیاسی، سطح مشارکت و الگوی تعامل و تعارض تفاوت دارند که این امر بر الگوهای یادگیری و تغییر خطمشی تاثیرگذار است (نورستد و ویبل، ۲۰۱۰: ۱۲). در یک گونه‌شناسی، خرده‌سیستم‌ها به سه دسته تقسیم شدند: «خرده‌سیستم واحد خطمشی[۴۹]» که تحت سلطه یک ائتلاف واحد قرار دارد (ویبل و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۲۴) و یادگیری در آن، درون ائتلافی است. در خرده‌سیستم همکارانه[۵۰] ائتلاف‌ها اختلاف نظر دارند اما زمینه مشترک برای مذاکره و کار با یکدیگر پیدا می‌کنند (ویبل، ۲۰۰۸: ۶۳۱)؛ سطح میانی تعارض و وجود مکان‌های مبتنی

47. Kansas
48. O'Donovan
49. unitary subsystem
50. collaborative subsystem

بر اجماع در این خرده‌سیستم‌ها، آن را به بهترین حالت برای یادگیری درون ائتلافی و بین ائتلافی، بررسی رویکردهای تحلیلی مختلف (ویبل، ۲۰۰۸: ۶۲۵؛ ویبل و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۲۷) و بهره‌گیری از دیدگاه‌های اندیشمندان تبدیل می‌کند که برای مدیریت پایدار سیستم‌های پیچیده زیست محیطی ایده‌آل است (ویبل و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۳۲) . خرده‌سیستم حاکم بر دریاچه ارومیه از نوع متعارض[51] است که ائتلاف‌های آن جهان‌بینی متفاوتی دارند (عسگری و امیرخانی، ۲۰۲۴: ۲۱)، درحالی که یادگیری به درجه بالایی از اجماع، تعامل چهره به چهره بین شرکت‌کنندگان و فرصت‌های بیشتر برای مشورت در مورد اطلاعات متنوع نیاز دارد (کوبل، ۲۰۲۰: ۵)؛ سیاست‌زدگی و سرزنش در ارتباط با علل و پیامدهای بحران‌ها در خرده‌سیستم متعارض، یادگیری و تغییر خط‌مشی را تضعیف می‌کند (نورستد و ویبل، ۲۰۱۰: ۱۵) که این مورد در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه نیز دیده می‌شود؛ استراتژی ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی پس از طرح نکاشت مبنی بر ممنوعیت کاشت در حوزه آبریز که بدون توجه به جوامع محلی تدوین شده بود، شکست خورده و با بسیج عمومی رو به رو شد؛ اما این شکست، تاثیر عمیقی در عملکرد ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی نداشت و اعتقادات هسته عمیق و اصلی خط‌مشی آن‌ها تغییر نکرد و این ائتلاف بدون توجه به جوامع محلی و اقناع سازی آن‌ها، فعالیت‌های مهندسی خود را ادامه داد (C1).

برای اعمال چارچوب ائتلاف مدافع در سیستم‌های سیاسی مختلف، دو متغیر درجه اجماع مورد نیاز برای تغییر خط‌مشی و گشودگی سیستم سیاسی به چارچوب اضافه شدند؛ مطابق مطالعه‌ای در ویتنام، موزامبیک و لهستان که سیستم سیاسی اقتدارگرا در آن حاکم است و از درجه باز بودن کمی برخوردار هستند، تغییر خط‌مشی در آستانه پایین توافق حاصل می‌شود(لی و وانگ[52]،۲۰۲۰:۴)؛ این مورد در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه نیز دیده می‌شود؛ به‌نحوی‌که تغییر خط‌مشی‌های این خرده‌سیستم با حداقل اجماع میان بازیگران و به صورت دستوری و از بالا به پایین مانند انتخابات سال ۱۳۹۲ رقم خورده است.

ظهور پدیده نقاب شیطانی

تعارض بالا در خرده‌سیستم سیاستی دریاچه ارومیه با ایجاد بی‌اعتمادی نخبگان خط‌مشی به یکدیگر و پیروزی ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی بر دو ائتلاف دیگر، باعث بروز پدیده نقاب شیطانی[53] در این خرده‌سیستم شد که در آن بازیگران یکدیگر را خبیث‌تر (مویسون[54]، ۲۰۱۶: ۱۶) و قدرتمندتر نسبت به واقعیت ارزیابی می‌کنند(ساباتیر و همکاران، ۱۹۸۷: ۴۵۱). بروز این پدیده، مرزبندی ائتلاف‌ها را تشدید کرده و باعث اختلاف نظرهای طولانی مدت درباره تعریف و راهکارهای حل مسئله می‌گردد (فیشر[55] و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۱۰) و امکان مذاکره، مصالحه و اقدام جمعی را کمرنگ می‌سازد (نیلسون[56] و همکاران، ۲۰۲۰: ۶). در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه «ستاد احیا، ابتکار عمل را از بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی در منطقه گرفت؛ عدم مشارکت دیگران، یعنی ستاد احیا خود را مغز متفکر احیا می‌داند و دستگاه‌های اجرایی صرفاً

51. adversarial subsystem

52. Li & Wong
53. Devil shift
54. Moyson
55. Fischer
56. Nilsson

جدول ۳: خلاصه یافته‌های پژوهش

بخش تحلیل		تشریح در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه
خرده‌سیستم خط‌مشی	محدوده جغرافیایی	دریاچه ارومیه
	محدوده موضوعی	خط‌مشی‌گذاری احیای دریاچه ارومیه
	نوع خرده‌سیستم	خرده‌سیستم متعارض شامل دو ائتلاف فعال و یک ائتلاف بالقوه با تعارض در سطح باورهای عمیق و اصلی
تغییر در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه	فاجعه‌های طبیعی به عنوان بازخورد فعالیت‌های انسانی	خشکی گسترده دریاچه ارومیه در اثر افزایش بی‌رویه سطح زیر کشت و تغییر الگوی محصولات زراعی و ظهور ائتلاف مدافع رویکرد مدیریت زیست بومی
	وقایع و شوک‌های بیرونی	انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و روی کار آمدن دولت با شعار محوری «اولویت اول، دریاچه ارومیه» و ظهور ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی
	بازخورد و انقباض خط‌مشی	وقوع اعتراضات مدنی در واکنش به تداوم کاهش سطح آب دریاچه ارومیه
		حمایت محدود دولت از ائتلاف مدافع رویکرد مدیریت زیست بومی و انقباض خط‌مشی
	یادگیری مبتنی بر خط‌مشی	یادگیری محدود در اثر شکست طرح نکاشت و حرکت به سمت برنامه به‌کاشت
	تاثیر سیستم سیاسی بر تغییر خط‌مشی	تغییر در خرده‌سیستم با حداقل اجماع و به شیوه بالا به پایین
		غلبه ائتلاف همسو با حاکمیت بر سایر ائتلاف‌ها
	پدیده نقاب شیطانی و خرده‌سیستم متعارض	تعارض بالا در خرده‌سیستم و بروز پدیده نقاب شیطانی در قبال ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی

باید مطیع اوامر ستاد باشند و جامعه هم معمولا گزینه‌ای برای انتخاب در اختیار ندارد. این جایگاه و رویکرد ستاد احیا، باعث شده تمامی‌ذینفعان منطقه در مقابل آن قرار بگیرند» (H1). برای مثال، بازیگران ائتلاف مدافع بالقوه سمن‌های زیست محیطی نسبت به اعطای پروژه‌ها توسط ستاد احیا دریاچه ارومیه تصور فسادآمیزی پیدا کرده و آن‌ها را صرفا مصرف کننده بودجه عمومی می‌دانستند؛ به نحوی که یکی از اعضای سمن‌ها می‌گوید «کارها و پروژه‌های ستاد احیا به همه ارائه نمی‌شود و به گروه‌هایی اعطا می‌شود که رانت آن را داشته باشند و از این طریق پروژه بگیرند» (C3)؛ این اختلاف تا آنجا شدت می‌یابد که یکی از مصاحبه شوندگان ستاد احیا را «ستاد مرگ دریاچه ارومیه» می‌نامد (C2).

ارزیابی‌های انجام شده در هنگام بروز نقاب شیطانی می‌تواند در واقعیت پیش نیامده باشد و برطرف کردن این امر نیاز به اقناع‌سازی ائتلاف‌ها دارد (لیچ و ساباتیر[۵۷]، ۲۰۰۵: ۴۹۴).

بروز پدیده نقاب شیطانی و خرده‌سیستم متعارض باعث می‌شود بازیگران، اطلاعات هم‌راستا با باورهای خود را بپذیرند و اطلاعات متضاد را رد کنند؛ در این فرایند، دانشمندان بی‌طرف توسط ائتلاف‌ها نادیده گرفته می‌شوند زیرا آن‌ها خواهان اطلاعاتی برای حمایت از مواضعشان در برابر رقبا هستند (مونپتی[۵۸]، ۲۰۱۲: ۱۷) و از اطلاعات علمی به‌عنوان سلاح سیاسی استفاده می‌کنند (ویبل، ۲۰۰۸: ۶۲۸). علاوه بر این، ائتلاف بازنده علت شکست خود را در رقبا و قدرت نفوذ آن‌ها جستجو می‌کند و از ضعف‌های خود مانند کمبود قدرت قانع کنندگی می‌گذرد (ساباتیر و همکاران، ۱۹۸۷: ۴۵۳). این شرایط، یادگیری مبتنی بر خط‌مشی و تغییر حاصل از آن را با خلل مواجه می‌سازد. جدول ۳ به ارائه جمع‌بندی از یافته‌های می‌پردازد.

بحث

نخستین زمینه‌ها برای تغییر خط‌مشی در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه، فاجعه‌های طبیعی و مشکلات زیست‌محیطی مانند ایجاد گنبدهای نمکی و کاهش شدید سطح آب دریاچه بود که عمدتاً در اثر فعالیت‌های انسانی (مانند ساخت سدها، توسعه کشاورزی پرآب‌بر و مدیریت نادرست منابع آب) به‌وجود آمد، و این امر، فشار برای تغییر خط‌مشی را افزایش داد؛ در نتیجه آن ائتلاف مدافع رویکرد مدیریت زیست‌بومی شکل گرفت (مسیر اول تغییر خط‌مشی)؛ اما کاهش سطح آب، ادامه یافت و این امر با اعتراضات عمومی نسبت به این مسئله و انتخابات سال ۱۳۹۲ و روی‌کارآمدن دولت حسن روحانی با شعار «اولویت اول، احیای دریاچه ارومیه» همراه شد؛ پس از این وقایع ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی شروع به فعالیت کرد (مسیر دوم تغییر خط‌مشی) و ائتلاف مدافع رویکرد زیست‌بومی که فعالیت آن با بازخوردهای منفی ناشی از کاهش سطح آب همراه بود به حاشیه رانده شد (مسیر سوم تغییر خط‌مشی) تا این خرده‌سیستم، حالت متعارض به خود بگیرد. در نهایت، یادگیری مبتنی بر خط‌مشی در ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی در پی شکست «طرح نکاشت» و تغییر به سوی «طرح به‌کاشت» مشاهده شد (مسیر چهارم تغییر خط‌مشی) که محدود به باورهای ثانویه این ائتلاف می‌شود؛ این محدودیت در پژوهش‌های پیشین نیز مورد تاکید قرار گرفته بود (نولین[۵۹]، ۲۰۲۴: ۶۷۷؛ نولین، ۲۰۲۵: ۱۵۹؛ ویبل، ۲۰۰۷: ۱۰۱).

علاوه بر این، شروط مختلفی برای یادگیری مبتنی بر خط‌مشی ذکر شده است از جمله آنکه تعارض بین باورهای ثانویه یک ائتلاف و باورهای اصلی ائتلاف دیگر یا بین باورهای ثانویه دو ائتلاف باشد (ویبل و نورستد، ۲۰۱۲: ۱۳۰) و قواعد مشارکت باز (نورستد و الوفسون، ۲۰۱۶: ۲۲) ارتباطات سازنده، تبادل اطلاعات و رویکردهای تحلیلی مشترک وجود داشته باشد (جنکینز-اسمید و ویبل، ۲۰۲۵: ۲۰؛ ویبل و نورستد، ۲۰۱۲: ۱۳۰)؛ اما این شرایط در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه وجود نداشت. خرده‌سیستم حاکم از نوع متعارض بود؛ تعارض ائتلاف‌ها در سطح باورهای هسته عمیق و اصلی خط‌مشی بود؛ ائتلاف بالقوه سمن‌های زیست محیطی بنا به دلایل مختلفی از

57. Leach and Sabatier
58. Montpetit
59. Nowlin

جمله عدم گشودگی نظام سیاسی، امکان مشارکت منسجم در خرده‌سیستم را نداشت)عسگری و امیرخانی، ۲۰۲۴: ۲۱). علاوه بر وجود این شرایط، این نکته که تغییر عمده خط‌مشی تا زمانی که یک ائتلاف مدافع وضعیت موجود، «در قدرت» باشد رخ نمی‌دهد (هینمیلر، ۲۰۲۵: ۹۹) توجیهی برای عدم تغییر توجه به جلب مشارکت جوامع محلی و ادامه فعالیت‌های مهندسی-برغم کاهش سطح آب- در سالیان متمادی در این خرده‌سیستم می‌باشد.

آنگونه که کوبل و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌دارند در خرده‌سیستمی که دسترسی به خط‌مشیگذارها دشوار و منافع حاصل از آن اندک است، بازیگران ممکن است سازوکارهایی مانند بسیج عمومی را دنبال کنند که این امر در اعتراضات عمومی سال ۱۳۹۲ دیده شد؛ اما برخورد امنیتی با سمن‌ها در اعتراضها و نگاه ضربالاجلی به مسائل پس از انتخابات سال ۱۳۹۲، مانع خروج ائتلاف بالقوه سمن‌های زیست محیطی از حالت بالقوهگی شد و ائتلاف مدافع رویکرد زیست بومی را نیز به حاشیه راند تا ائتلاف مدافع رویکرد مهندسی و ضرب الاجلی غالب شود که این امر همراستا با مطالعات انجام شده در دنیا است؛ برای مثال کوبله و همکاران (۲۰۱۹) قائل بودند در سیستم‌های سیاسی متمرکز تغییرات عمده اغلب توسط دولت مرکزی هدایت می‌شود و در حکومت‌های غیرتکثرگرا ائتلاف‌هایی که بازیگران پرقدرت از حاکمیت در آن حضور دارند غالب‌اند و باقی ائتلاف‌ها معمولاً گذرا و ناپایدارند. این شرایط، مسیر توافق مذاکره شده برای تغییر خط‌مشی را نیز عملا مسدود می‌کند، زیرا ائتلاف غالب از منابع سیاسی قدرتمندی برخوردار است ازاینرو حتی در صورت شکست خط‌مشی، توان آن را دارد تا ائتلاف‌های دیگر را کنار بزند و به مسیر غیراثربخش خود ادامه دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با استفاده چارچوب ائتلاف مدافع به تبیین پویایی‌های خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه و شناسایی الگوهای تغییر خط‌مشی در این خرده‌سیستم پرداخت که مواردی از قبیل «بروز وقایع و شوک‌های بیرونی با انتخابات سال ۱۳۹۲» و «یادگیری مبتنی بر خط‌مشی محدود به باورهای ثانویه» را دربرمی‌گیرد؛ نحوه بروز و ظهور این الگوها تحت تاثیر نوع خرده‌سیستم حاکم بر دریاچه و سیستم سیاسی حاکم بر ایران، با کمترین اجماع و به‌صورت دستوری بوده که باعث به حاشیه رفتن سایر ائتلاف‌ها و بروز پدیده نقاب شیطانی میان آن‌ها شده که مسیر توافق مذاکره‌شده و یادگیری را مسدود می‌سازد.

با توجه به این شرایط، حرکت به سمت ایجاد یک خرده‌سیستم همکارانه می‌تواند راهبردی برای جلب مشارکت تمام بازیگران محلی و بهبود فرایند خط‌مشی گذاری در خرده‌سیستم دریاچه ارومیه باشد که پیشنهادهای سیاستی زیر جهت تحقق این امر ارائه می‌گردد:

ساماندهی اراضی کشاورزی با مشارکت جوامع محلی

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، بسیاری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی دنیای امروز مانند تخریب محیط زیست یا بحران‌های اقتصادی، بازخورد خط‌مشی‌های قبلی هستند (اشمید و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۱۱). طبق نتایج پژوهش‌های پیشین، سطح آب حوزه دریاچه ارومیه از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ در اثر عوامل اقلیمی و انسانی کاهش یافته اما کاهش ناگهانی حجم دریاچه، در درجه اول ناشی از مدیریت و فعالیت‌های انسانی بوده

است (F1)؛ از جهت دیگر، برخوردهای سلبی مانند ممنوعیت کشاورزی –حتی با ارائه مشوق‌های مالی– با مقاومت عمومی همراه بوده است؛ بر این اساس پیشنهاد می‌گردد ستاد احیا دریاچه ارومیه که در بالاترین سطح حکمرانی کشور تشکیل شده (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۷) با بهره‌گیری از ظرفیت گسترده سمن‌های بومی فعال در استان‌های آذربایجان غربی، شرقی و کردستان نسبت به اقناع کشاورزان اقدام کرده و از طریق به کارگیری قدرت نرم به ساماندهی اراضی کشاورزی بپردازد.

شفاف‌سازی الگوی مشارکت در ستاد احیا دریاچه ارومیه

در خرده‌سیستم خط‌مشی دریاچه ارومیه، ستاد احیا، ابتکار عمل را از بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی در منطقه گرفته است؛ این رویکرد باعث شده تمامی ذینفعان منطقه در مقابل آن قرار بگیرند و پدیده نقاب شیطانی در قبال این ائتلاف شکل بگیرد که امکان مذاکره، مصالحه و اقدام جمعی را کمرنگ ساخته (نیلسون[60] و همکاران، ۲۰۲۰: ۶) و حتی تصوراتی مبتنی بر فساد ستاد احیا دریاچه ارومیه در میان ائتلاف‌های دیگر ایجاد به وجود می‌آورد؛ بر این اساس، ستاد احیا باید علاوه بر طرح‌های انتقال آب یا اصلاح و بازسازی دریچه‌ها و آبگیرهای رودخانه‌ها (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۸) سازوکارهایی برای بهبود ارتباط با فعالین به حاشیه رانده شده اعمال نماید و اعطا پروژه و همکاری با سمن‌ها را از طریق بستری شفاف انجام دهد تا به تدریج نقاب شیطانی کمرنگ شده و مسائل مرتبط با آن برطرف گردد.

بهبود سازوکارهای یادگیری خط‌مشی با نقش میانجی گر دانشگاه

یادگیری مبتنی بر خط‌مشی به درجه بالایی از اجماع، تعامل چهره به چهره بین شرکت‌کنندگان و فرصت‌های بیشتر برای مشورت در مورد اطلاعات متنوع نیاز دارد (کوبل، ۲۰۲۰: ۵)که خرده‌سیستم متعارض خط‌مشی دریاچه ارومیه تا حدود زیادی این امر را محدود کرده است. ایفای نقش میانجی بین جوامع محلی و خط‌مشی گذاران در ستاد احیای دریاچه ارومیه توسط دانشگاه‌های استان‌های همجوار دریاچه ارومیه می‌تواند به عنوان راهبردی برای بهبود ارتباط ائتلاف‌های مدافع فعال و بالقوه خرده‌سیستم شود و به این ترتیب همکاری و یادگیری مبتنی بر خط‌مشی را تسهیل نماید.

لازم به ذکر است ایجاد خرده‌سیستم همکارانه ضرورتی است که باید در سایر خرده‌سیستم‌های خط‌مشی کشور نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که در جهان امروز، پیچیدگی و گستردگی مسائل عمومی، اداره جامعه و حل پایدار آن‌ها را از توان حکومت‌ها به‌تنهایی خارج ساخته و روی‌آوردن به الگوهای حکمرانی همکارانه و مشارکتی را گریزناپذیر می‌سازد (اکبری و همکاران، ۲۰۲۴: ۵).

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده اند.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

60. Nilsson

مشارکت نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارند.

منابع

منابع فارسی

آرزمجو، ه.، و حیدری، غ. (۲۰۲۱). رویکردی گفتمانی به فرایند شکل‌گیری یک سیاست (مطالعه موردی تعرفه‌گذاری برق استخراج رمزارز). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۱(۳۸)، ۲۰-۳۷.
https://sspp.iranjournals.ir/article_245341.html

اسمعیل‌زاده، س.، پرورش ریزی، ع.، و میان آبادی، ح. (۲۰۲۱). مسأله‌شناسی و ارزیابی خط‌مشی ستاد احیاء دریاچه ارومیه. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۱(۳۸)، ۳۸-۵۸.

اکبری، ا.، رسولی، م.، عبدالحسین زاده، م.، عبدالحمید، م.، و همت ابادی، ح. (۲۰۲۴). شناسایی و دسته‌بندی ابزارهای نرم در نظام حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۳(۴۹)، ۲-۳۲.
https://doi.org/10.22034/sspp.2024.2012040.3491

دانایی فرد، ح.، صمدنیا، ب.، ترابی، ف.، کاظمی، س.، صادقی، ر.، و مروتی، ح. (۲۰۲۲). مطالعه تغییر سیاست جمعیت در ایران: کاربست چارچوب ائتلاف مدافع. مطالعات جمعیتی، ۸(۱)، ۳۱۷-۳۴۷.
https://doi.org/10.22034/jips.2024.202091

سلطان زاده، ج.، الیاسی، م.، و نریمانی، م. (۲۰۲۱). تحلیل بن‌بست‌های تنظیم‌گری کسب‌وکارهای پلتفرمی حمل و نقل در ایران با چارچوب ائتلاف مدافع. مدیریت نوآوری، ۱۰(۳)، ۱۵۳-۱۸۰.
https://www.nowavari.ir/article_134310.html

عسگری، ح.، و امیرخانی، ط. (۲۰۲۴). تبیین خرده‌نظام سیاستی دریاچه ارومیه بر مبنای چارچوب ائتلاف‌های حامی. سیاستگذاری عمومی، ۹(۴)، ۹-۲۳.
https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.96178

میان آبادی، ح. (۲۰۲۵). ویژ ه‌نامه «سیاستگذاری آب: ضرورت مغفول مانده از تئوری تا اجرا». مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۵(۵۴)، ۲-۸.
https://doi.org/10.22034/sspp.2025.2061710.3808

References

Akbari, E., Rasouli, M., Abdolhosseinzadeh, M., Abdolhamid, M., & Hemmatabadi, H. (2024). Identification and classification of soft tools in the governance and policymaking system. Journal of Strategic Studies of Public Policy, 13(49), 2–32.

https://doi.org/10.22034/sspp.2024.2012040.349(In Persian)

Arzamjoo, H., & Heydari, G. (2021). A discursive approach to the policy-making process (Case study: Electricity tariff for cryptocurrency mining). Journal of Strategic Public Policy, 11(38), 20–37. https://sspp.iranjournals.ir/article (In Persian).

Asgari, H., & Amirkhani, T. (2024). Explanation of Urmia Lake Policy Subsystem: Identifying Active Coalitions Based on the Advocacy Coalitions Framework. Iranian Journal of Public Policy, 9(4), 9–23. https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.96178(In Persian).

Bukowski, J. (2007). Spanish water policy and the national hydrological plan: An advocacy coalition approach to policy change.: An advocacy coalition approach to policy change. South European Society and Politics, 12(1), 39–57. https://doi.org/10.1080/13608740601151673

Busetto, L., Wick, W., & Gumbinger, C. (2020). How to use and assess qualitative research methods. In Neurological Research and Practice. https://doi.org/10.1186/s42466-020-00059-z

Chehabi, H. E. (2001). The political regime of the Islamic Republic of Iran in comparative perspective. *Government and Opposition*, *36*(1), 48–70. https://doi.org/10.1111/1477-7053.00053

Creswell, J. W. (2003). Research design Qualitative quantitative and mixed methods approaches. Research Design Qualitative Quantitative and Mixed Methods Approaches. https://doi.org/10.3109/08941939.2012.723954

Creswell, J. W., Hanson, W. E., Clark Plano, V. L., & Morales, A. (2007). Qualitative Research Designs: Selection and Implementation. The Counseling Psychologist. https://doi.org/10.1177/0011000006287390.

Danaeefard, H., Samadnia, B., Torabi, F., Kazemi, S., Sadeghi, R., & Morovati, H. (2022). Study of population policy change in Iran: Application of the Advocacy Coalition Framework. Population Studies, 8(1), 317–347. https://doi.org/10.22034/jips.2024.202091(In Persian).

Deguilhem, T., Schlegel, J., Berrou, J. P., Djibo, O., & Piveteau, A. (2024). Too many options: How to identify coalitions in a policy network? Social Networks, 79(June), 104–121. https://doi.org/10.1016/j.socnet.2024.06.005.

Esmaeilzadeh, S., Parvarish Rizi, A., & Mianabadi, H. (2021). Problem identification and policy evaluation of the Lake Urmia Restoration Headquarters. Strategic Studies of Public Policy, 11(38), 38–58.(In Persian)

Fischer, M., Ingold, K., Sciarini, P., & Varone, F. (2016). Dealing with bad guys: actor- and process-level determinants of the "devil shift" in policy making. Journal of Public Policy, 36(2), 309–334. https://doi.org/DOI: 10.1017/S0143814X15000021

Fullerton, A. H., Koebele, E. A., Heikkila, T., Nohrstedt, D., & Weible, C. M. (2025). Antecedents of Policy Change: Advancing the Advocacy Coalition

Framework's Theory and Methods BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 105–128). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_5

Gabehart, K. M., Fullerton, A. H., Crawford, A. M., & Weible, C. M. (2024). How are emotions and beliefs expressed in legislative testimonies? An advocacy coalition approach. Review of Policy Research. https://doi.org/10.1111/ropr.12562

Gabehart, K. M., Nam, A., & Weible, C. M. (2022). Lessons from the Advocacy Coalition Framework for climate change policy and politics. Climate Action. https://doi.org/10.1007/s44168-022-00014-5

Gupta, K., Ripberger, J. T., Jenkins-Smith, H. C., & Olofsson, K. (2025). Coalition Opportunity Structures and Policy Change: A Comparative Analysis of Nuclear Facility Siting Efforts in the US BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 129–153). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_6

Hammarberg, K., Kirkman, M., & De Lacey, S. (2016). Qualitative research methods: When to use them and how to judge them. In Human Reproduction. https://doi.org/10.1093/humrep/dev334

Heale, R., & Twycross, A. (2018). What is a case study? Evidence-Based Nursing, 21(1), 7–8. https://doi.org/10.1136/eb-2017-102845

Heinmiller, B. T. (2013). Advocacy Coalitions and the Alberta "Water Act." Canadian Journal of Political Science / Revue Canadienne de Science Politique, 46(3), 525–547. http://www.jstor.org/stable/43298202

Heinmiller, B. T. (2023). Advocacy coalitions, power and policy change. Policy and Politics. https://doi.org/10.1332/030557321X16569341758199

Heinmiller, B. T. (2025). Advocacy Coalitions 'In Power' and Major Policy Change in Canada: A Fuzzy Set Investigation BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 85–104). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_4

Jenkins-Smith, H. C., & Weible, C. M. (2025). The Advocacy Coalition Framework: Origins, Theories, and the Textbook Version BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 1–42). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_1

Jenkins-Smith, H., Silva, C. L., Gupta, K., & Ripberger, J. T. (2014). Belief System Continuity and Change in Policy Advocacy Coalitions: Using Cultural Theory to Specify Belief Systems, Coalitions, and Sources of Change. Policy Studies Journal. https://doi.org/10.1111/psj.12071

Koebele, E. A. (2019). Integrating collaborative governance theory with the Advocacy Coalition Framework. In Journal of Public Policy. https://doi.org/10.1017/S0143814X18000041

Koebele, E. A. (2020). Cross-Coalition Coordination in Collaborative Environmental Governance Processes. Policy Studies Journal, 48(3), 727–753. https://doi.org/https://doi.org/10.1111/psj.12306

LEACH, W. D., & SABATIER, P. A. (2005). To Trust an Adversary: Integrating

Rational and Psychological Models of Collaborative Policymaking. American Political Science Review, 99(4), 491–503. https://doi.org/DOI: 10.1017/S000305540505183X

Li, W., Pierce, J. J., Chen, F., & Wang, F. (2024). The politics of China's policy processes: A comparative review of the Advocacy Coalition Framework's applications to mainland China. Politics and Policy. https://doi.org/10.1111/polp.12574

Li, W., & Weible, C. M. (2021). China's Policy Processes and the Advocacy Coalition Framework. Policy Studies Journal. https://doi.org/10.1111/psj.12369

Li, W., & Wong, W. (2020). Advocacy Coalitions, Policy Stability, and Policy Change in China: The Case of Birth Control Policy, 1980–2015. Policy Studies Journal. https://doi.org/10.1111/psj.12329

Mianabadi, H. (2025). Water policy making: The overlooked necessity from theory to practice. Journal of Strategic Studies of Public Policy, 15(54), 2–8. https://doi.org/10.22034/sspp.2025.2061710.3808 (In Persian)

Montpetit, É. (2012). Does Holding Beliefs with Conviction Prevent Policy Actors from Adopting a Compromising Attitude? Political Studies, 60(3), 621–642. https://doi.org/10.1111/j.1467-9248.2011.00930.x

Moyson, S. (2016). Policy learning over a decade or more and the role of interests therein: The European liberalization policy process of Belgian network industries. Public Policy and Administration, 33(1), 88–117. https://doi.org/10.1177/0952076716681206

Nilsson, J., Sandström, A., & Nohrstedt, D. (2020). Beliefs, social identity, and the view of opponents in Swedish carnivore management policy. Policy Sciences, 53(3), 453–472. https://doi.org/10.1007/s11077-020-09380-5

Nohrstedt, D., & Olofsson, K. (2016). A Review of Applications of the Advocacy Coalition Framework in Swedish Policy Processes. European Policy Analysis. https://doi.org/10.18278/epa.2.2.3

Nohrstedt, D., & Weible, C. M. (2010). The Logic of Policy Change after Crisis: Proximity and Subsystem Interaction. Risk, Hazards & Crisis in Public Policy, 1(2), 1–32. https://doi.org/https://doi.org/10.2202/1944-4079.1035

Nowlin, M. C. (2024). Policy beliefs, belief uncertainty, and policy learning through the lens of the Advocacy Coalition Framework. Policy & Politics, 52(4), 675–695. https://doi.org/10.1332/03055736Y2023D000000002

Nowlin, M. C. (2025). Learning and Uncertainty: Information Environments and Policy-Oriented Learning BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 155–183). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_7

Nwalie, M. I. (2019). Advocacy Coalition Framework and Policy Changes in a Third-World Country. Politics & Policy, 47(3), 545–568. https://doi.org/https://doi.org/10.1111/polp.12302

O'Donovan, K. (2017). Policy Failure and Policy Learning: Examining the Conditions of Learning after Disaster. Review of Policy Research. https://doi.org/10.1111/ropr.12239

Parrish, R. (2008). Access to major events on television under European Law.

Journal of Consumer Policy. https://doi.org/10.1007/s10603-007-9058-x

Parsinejad, M., Rosenberg, D. E., Ghale, Y. A. G., Khazaei, B., Null, S. E., Raja, O., Safaie, A., Sima, S., Sorooshian, A., & Wurtsbaugh, W. A. (2022). 40-years of Lake Urmia restoration research: Review, synthesis and next steps. In Science of the Total Environment. https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2022.155055

Pierce, J. J., Peterson, H. L., & Hicks, K. C. (2020). Policy Change: An Advocacy Coalition Framework Perspective. Policy Studies Journal. https://doi.org/10.1111/psj.12223

Pierce, J. J., Peterson, H. L., Jones, M. D., Garrard, S. P., & Vu, T. (2017). There and Back Again: A Tale of the Advocacy Coalition Framework. Policy Studies Journal, 45(S1), S13–S46. https://doi.org/https://doi.org/10.1111/psj.12197

Priya, A. (2021). Case Study Methodology of Qualitative Research: Key Attributes and Navigating the Conundrums in Its Application. Sociological Bulletin. https://doi.org/10.1177/0038022920970318

Pyo, J., Lee, W., Choi, E. Y., Jang, S. G., & Ock, M. (2023). Qualitative Research in Healthcare: Necessity and Characteristics. In Journal of Preventive Medicine and Public Health. https://doi.org/10.3961/jpmph.22.451

Sabatier, P. A. (1988). An advocacy coalition framework of policy change and the role of policy-oriented learning therein. Policy Sciences, 21(2–3), 129–168. https://doi.org/10.1007/BF00136406

Sabatier, P., Hunter, S., & McLaughlin, S. (1987). The Devil Shift: Perceptions and Misperceptions of Opponents. Western Political Quarterly, 40(3), 449–476. https://doi.org/10.1177/106591298704000306

Saemian, P., Elmi, O., Vishwakarma, B. D., Tourian, M. J., & Sneeuw, N. (2020). Analyzing the Lake Urmia restoration progress using ground-based and spaceborne observations. Science of the Total Environment. https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2020.139857

Schmid, N., Sewerin, S., & Schmidt, T. S. (2020). Explaining Advocacy Coalition Change with Policy Feedback. Policy Studies Journal. https://doi.org/10.1111/psj.12365

Schulz, S., Darehshouri, S., Hassanzadeh, E., Tajrishy, M., & Schüth, C. (2020). Climate change or irrigated agriculture – what drives the water level decline of Lake Urmia. Scientific Reports, 10(1), 1–10. https://doi.org/10.1038/s41598-019-57150-y.

Soltanzadeh, J., Elyasi, M., & Narimani, M. (2021). Regulatory stalemates analysis of Iranian ride-hailing platform business by the Advocacy Coalition Framework. Journal of Innovation Management, 10(3), 153–180. https://www.nowavari.ir/article_134310.html (In Persian).

Sotirov, M., & Memmler, M. (2012). The Advocacy Coalition Framework in natural resource policy studies — Recent experiences and further prospects. Forest Policy and Economics, 16, 51–64. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.forpol.2011.06.007

Tezcür, G. M., Azadarmaki, T., Bahar, M., & Nayebi, H. (2012). Support for Democracy in Iran. Political Research Quarterly, 65(2), 235–247. https://doi.org/10.1177/1065912910395326

Tourian, M. J., Elmi, O., Chen, Q., Devaraju, B., Roohi, S., & Sneeuw, N. (2015).

A spaceborne multisensor approach to monitor the desiccation of Lake Urmia in Iran. Remote Sensing of Environment. https://doi.org/10.1016/j.rse.2014.10.006

Vaismoradi, M., Turunen, H., & Bondas, T. (2013). Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study. Nursing & Health Sciences, 15(3), 398–405. https://doi.org/https://doi.org/10.1111/nhs.12048

von Malmborg, F. (2023). Combining the advocacy coalition framework and argumentative discourse analysis: The case of the "energy efficiency first" principle in EU energy and climate policy. Politics and Policy, 51(2), 222–241. https://doi.org/10.1111/polp.12525

Weible, C. M. (2007). An advocacy coalition framework approach to stakeholder analysis: Understanding the political context of California marine protected area policy. Journal of Public Administration Research and Theory. https://doi.org/10.1093/jopart/muj015

Weible, C. M. (2008). Expert-based information and policy subsystems: A review and synthesis. In Policy Studies Journal. https://doi.org/10.1111/j.1541-0072.2008.00287.x

Weible, C. M., & Nohrstedt, D. (2012). Advocacy Coalition Framework. In P. A. Sabatier & C. M. Weible (Eds.), Theories of the Policy Process (pp. 189–210). Routledge. https://doi.org/10.4324/9780203097571-13

Weible, C. M., Pattison, A., & Sabatier, P. A. (2010). Harnessing expert-based information for learning and the sustainable management of complex socio-ecological systems. Environmental Science & Policy, 13(6), 522–534. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.envsci.2010.05.005

Wiget, M. (2024). Does (dis)agreement reflect beliefs? An analysis of advocacy coalitions in Swiss pesticide policy. European Policy Analysis. https://doi.org/10.1002/epa2.1219

Wiley, K., DeMasters, C., Casola, C., & McGilvery, K. (2025). Resource Allocation and Influence: An Advocacy Coalition Framework Analysis of the U.S. Violence Against Women Act BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 275–300). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_11

Yordy, J. (2025). How Did We Miss This? Democracy and Policy Beliefs in the Advocacy Coalition Framework BT - The Advocacy Coalition Framework (H. C. Jenkins-Smith & C. M. Weible (eds.); pp. 185–209). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-85554-2_8